

مبانی و روش‌های اعتبارسنجی آیه الله سید مجتبی خامنه‌ای؛

برپایه تقریرات درس خارج طهارت یا نجاست خمر

سید محمدحسین میرشاه ولایتی^۱
مجتبی پورموسی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱

چکیده

اعتبارسنجی حدیث از مسائل بنیادین در استنباط فقهی و فهم میراث روایی امامیه است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی و روش‌های اعتبارسنجی احادیث در اندیشه آیه الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای سامان یافته است. مسئله اصلی آن است که ایشان در ارزیابی روایت، بر چه معیارهایی تکیه می‌کند و نسبت میان منبع گزارش‌گر، راویان و متون حدیثی را چگونه می‌سنجد. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه دقیق تقریرات درس خارج طهارت خمر گردآوری شده و تحلیل آن‌ها با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد مبنای محوری در این دستگاه فکری، وثوق عقلایی به صدور است؛ بدین معنا که اعتبار حدیث نه برپایه اتصال سند و وثاقت یکایک راویان، بلکه براساس مجموعه‌ای از قرائن وثوق‌زا و وثوق‌زدا ارزیابی می‌شود. در این چارچوب، منهج رجالی، فهرستی و مشایخی به صورت تلفیقی به کار می‌رود و شهرت کتاب، اصالت منبع، جایگاه مؤلف، تلقی اصحاب و ساختار تألیف از مهم‌ترین قرائن اعتبار به شمار می‌آیند. در مقابل، تفرد، جهالت راوی، فساد مذهب، تضعیف رجالی و ناسازگاری مضمون با عنوان کتاب از عوامل تضعیف‌کننده وثوق‌اند. برآیند پژوهش آن است که در اندیشه آیه الله خامنه‌ای، اعتبار حدیث حاصل ارزیابی مجموعی و عقلایی شواهد است.

کلیدواژه‌ها: آیه الله خامنه‌ای، شواهد وثوق‌زا، شواهد وثوق‌زدا، روش فهرستی، اعتبارسنجی.

۱. دکترای علوم حدیث تطبیقی دانشگاه المصطفی (ع) (نویسنده مسئول) (Mostahfez257@gmail.com).

۲. دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (mojtabapormusa313@gmail.com).

مقدمه

در سنت دیرپای دانش اسلامی، بررسی مبانی فکری و روش شناختی عالمان دینی، همواره یکی از موضوعات مهم در شناخت و تحلیل اندیشه‌های آنان بوده است. هر اندیشمند برجسته در قلمرو علوم اسلامی، افزون بر آرا، نظریات و فتاوای صریح خود، بر مجموعه‌ای از مبانی معرفتی، اصول روش شناختی و پیش فرض‌های اجتهادی تکیه دارد که نحوه مواجهه او با منابع دینی و شیوه استنباط و تحلیل وی را شکل می‌دهد. از این رو، شناخت و تحلیل این مبانی، صرفاً برای بازسازی دیدگاه‌های یک عالم دینی اهمیت ندارد، بلکه در ارزیابی علمی آرا، سنجش میزان انسجام و استحکام استنباط‌ها و تبیین منطق حاکم بر دستگاه فکری او نیز نقشی اساسی دارد. بر این اساس، مطالعه آرا و فتاوای یک فقیه بدون توجه به مبانی و روش‌هایی که در پس این آرا قرار دارد، ممکن است به برداشتی ناقص یا سطحی از اندیشه او بینجامد.

این مسئله هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که موضوع پژوهش، اندیشه فقهی باشد که افزون بر جایگاه علمی و فقهی، عهده‌دار رهبری و هدایت جامعه اسلامی نیز هست. در چنین شرایطی، مبانی و روش‌های فقهی و حدیثی وی تنها در قلمرو مباحث نظری و علمی محدود نمی‌ماند، بلکه می‌تواند در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، حقوقی و سیاسی جامعه اسلامی نیز منشأ آثار و پیامدهایی باشد. از این رو، شناسایی و تحلیل دقیق مبانی علمی و روش اجتهادی رهبران فکری و دینی جامعه، افزون بر ارزش معرفتی و روش شناختی، از حیث ارزیابی علمی دیدگاه‌ها و فهم دقیق تر نحوه مواجهه آنان با منابع دینی نیز اهمیت دارد. بر همین اساس، بررسی نظام‌مند مبانی و روش اجتهادی آنان را می‌توان از جمله وظایف علمی حوزه‌های علمیه و پژوهشگران علوم اسلامی دانست.^۱

در این میان، آیه الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، به مثابه فقهی برجسته و در عین حال رهبر جامعه اسلامی، جایگاهی ممتاز در هدایت فکری و دینی جامعه دارد. از منظر نظری، انتظار می‌رود تعالیم اسلام بر پایه منابع اصیل، یعنی قرآن کریم، سنت رسول خدا و سیره معصومان (علیهم‌السلام)، استخراج، فهم و تبیین شود و سپس در ساختار اجتماعی و نظام حکمرانی اسلامی مجال تحقق یابد.^۲ تحقق چنین مأموریتی، طبعاً بر دستگاه اجتهادی و

۱. رک: «رسالت دین، وظایف حوزه و دستاورد نظام آموزشی و مدارس علمیه».

۲. رک: ولایت فقیه، ص ۵۹؛ دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۱ - ۳۱۸.

مبانی روش‌شناختی فقیه استوار است. از این رو، شناخت مبانی علمی و روش استنباطی ایشان، افزون بر آن‌که برای فهم دقیق آرای فقهی و حدیثی وی ضرورت دارد، می‌تواند زمینه ارزیابی علمی و، در صورت وجود کاستی، اصلاح و ارتقای آن را نیز فراهم سازد.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های ظهور این مبانی، حوزه اعتبارسنجی احادیث است؛ حوزه‌ای که نقشی اساسی در فرایند استنباط احکام و معارف دینی ایفا می‌کند. اهمیت این مسئله از آن‌رو مضاعف است که به نظر می‌رسد ایشان در سنجش اعتبار حدیث، رویکردی متفاوت از مسیر مشهور بسیاری از معاصران خود برگزیده‌اند. هرچند نشانه‌های این تمایز روشی را می‌توان به صورت پراکنده در آثار و بیانات ایشان باز یافت، این موضوع تاکنون به صورت منسجم و تحلیلی بررسی نشده است. بنابراین، پژوهش در مبانی اعتبارسنجی حدیث نزد ایشان، گامی مهم در جهت شناخت دقیق‌تر منهج اجتهادی وی و نیز تبیین جایگاه این رویکرد در منظومه روش‌شناسی حدیث‌پژوهی معاصر شیعه خواهد بود.

بر همین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که «مبانی و روش‌های حاکم بر اعتبارسنجی احادیث در اندیشه آیه‌الله سید مجتبی خامنه‌ای چیست و ایشان در ارزیابی روایات از چه معیارها و روش‌هایی بهره می‌گیرد؟»

شایان ذکر است که مباحث این مقاله با تکیه بر تقریرات درس خارج آیه‌الله سید مجتبی خامنه‌ای تنظیم شده است؛ از این رو، توجه به چند ملاحظه روش‌شناختی در استفاده از این منابع ضروری است. نخست آن‌که تقریرات، بازتاب فهم و تقریر شاگردان از مباحث استاد است و از این رو، احتمال بروز برخی کاستی‌ها یا خطاهای ناخواسته در فرایند تقریر وجود دارد. دوم آن‌که این مطالب در فضای درس خارج طرح شده است، نه در قالب نگارش نهایی مؤلف؛ و روشن است که درس خارج، بیش از آن‌که جایگاه تثبیت رأی نهایی باشد، عرصه طرح احتمالات، نقد اقوال و آزمون استدلال‌هاست. بنابراین، همه آنچه در این فضا بیان می‌شود، لزوماً نظر قطعی و نهایی استاد تلقی نمی‌گردد. سوم آن‌که تقریرات مورد استفاده، مربوط به بیش از پنج سال پیش است و در نتیجه، احتمال تحول یا بازنگری در برخی جزئیات آرا را نمی‌توان به کلی منتفی دانست؛ هرچند این احتمال بیشتر در سطح فروع و جزئیات قابل تصور است، نه در اصول و چارچوب‌های کلان. باین همه، در این پژوهش کوشش شده است با مراجعه دقیق به متن تقریرات و ملاحظه سیاق مباحث، مبانی و رویکردهای ایشان با حداکثر دقت و امانت علمی گزارش و تبیین شود.

پیشینه پژوهش

با وجود آن‌که بررسی مبانی رجالی و روش‌های اعتبارسنجی حدیث نزد فقیهان و عالمان امامیه در دهه‌های اخیر، به مثابه یکی از محورهای مهم مطالعات حدیثی و اجتهادی، پیشینه‌ای قابل توجه یافته است و در این زمینه، پژوهش‌هایی در تحلیل مبانی رجالی برخی شخصیت‌های علمی معاصر و متقدم - از جمله مقاله مهدی غلامعلی درباره مبانی رجالی «رهبر شهید: آیه الله العظمی خامنه‌ای»، پژوهش میرشاه ولایتی درباره مبانی رجالی «آیت الله علوی گرگانی» و پژوهش حسینی زیدی در بررسی مبانی رجالی «شیخ انصاری» و... - انجام پذیرفته است، تاکنون پژوهشی مستقل، منسجم و روشمند درباره مبانی و روش‌های اعتبارسنجی آیه الله سید مجتبی خامنه‌ای سامان نیافته است. از این رو، مقاله حاضر واجد جنبه‌ای نوآورانه و بدیع است و می‌تواند خلأ موجود در مطالعات ناظر به مبانی رجالی و حدیث پژوهی فقیهان معاصر شیعه را تا حدی جبران کند.

۱. اعتبارمندی خبر واحد

مسئله حجیت خبر واحد از مباحث دیرپا و بنیادین در اصول فقه و حدیث پژوهی اسلامی است^۱ این مسئله از سده‌های نخستین، محل گفت‌وگو و مناقشه عالمان بوده است.^۲ در تقسیم مشهور، اخبار از حیث شمار ناقلان به دو قسم متواتر و غیرمتواتر تقسیم می‌شوند. خبر متواتر به روایتی گفته می‌شود که به سبب کثرت ناقلان در طبقات مختلف، تبانی آنان بر کذب عادتاً ناممکن است؛ از این رو، چنین خبری مفید علم دانسته شده و اعتبار آن مورد اتفاق است. در مقابل، خبر غیرمتواتر گاه همراه با قرائن و شواهدی است که برای فقیه اطمینان یا علم به صدور ایجاد می‌کند و در این صورت نیز پذیرش آن بی‌اشکال خواهد بود. اما اگر فاقد این قرائن علم‌آور باشد، از آن با عنوان خبر واحد ظنی یاد می‌شود.^۳

درباره حجیت خبر واحد ظنی، در میان عالمان شیعه دیدگاه‌های متفاوتی شکل گرفته است. مشهور متقدمان امامیه حجیت آن را نمی‌پذیرفتند و بر این باور بودند که در استنباط احکام شرعی نمی‌توان بر خبری که مفید علم نیست، تکیه کرد. این وضعیت تا اندازه‌ای در دوره علامه حلی دگرگون شد؛ او کوشید حجیت خبر واحد را - البته با قیود و شرایطی

۱. کفایة الاصول، ص ۲۹۳.

۲. برای آگاهی بیشتر رک: «سیر تاریخی حجیت خبر واحد در اصول شیعه»، ص ۹۹ - ۱۳۸.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: اصول الحدیث، ص ۶۹ - ۹۵.

مشخص - اثبات کند و از این رهگذر، زمینه پذیرش گسترده‌تر آن را در میان فقیهان متأخر فراهم آورد.^۱

در تبیین حجیت خبر واحد، در رویکرد اصلی قابل تشخیص است: حجیت تعبدی و حجیت عقلایی. در رویکرد نخست، برای پذیرش خبر، معیارهای معینی همچون صحت سند، وثاقت یا عدالت راویان، مخالفت نداشتن با کتاب و نقل در منابع معتبر اصحاب، به منزله حد و مرز تعیین می‌شود. اما در رویکرد عقلایی یا موثق به، این امور نه معیارهای قطعی، بلکه قرائن و شواهدی‌اند که در مجموع می‌توانند موجب وثوق به صدور روایت شوند.^۲

آنچه از تقریرات رهبر معظم انقلاب برمی‌آید، گرایش ایشان به مبنای حجیت عقلایی و وثوق به صدور است. از این رو، اعتبار حدیث نه فقط بر پایه شرایط سند و راویان، بلکه بر پایه اطمینان عقلایی به صدور آن از معصوم علیه السلام سنجیده می‌شود. براین اساس، موافقت با کتاب الهی و سنت، وضعیت کتاب در فهرس متقدم شیعه، وثاقت راوی، اتصال سند و... همگی در جایگاه شاهد و قرینه قرار می‌گیرند. ایشان تصریح کرده‌اند که مسیرشان با چارچوب رایج حجیت تعبدی خبر واحد ظنی همسوییست^۳ و ملاک اصلی را نه صرف تحقق معیارهای مربوط به سند و راوی، بلکه وثوق به صدور می‌دانند.^۴ همچنین، وی یادآور شده است که برخی فقیهان برجسته، همچون شیخ انصاری، نیز بر همین مسیر بوده‌اند.^۵

۱-۱. چرایی بحث از سند و آحاد راویان

با آن که در رویکرد حدیثی آیه‌الله خامنه‌ای، ملاک نهایی اعتبار روایت، حصول وثوق و اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام بر پایه مجموعه‌ای از قرائن و شواهد است، در آثار و تقریرات ایشان همچنان به بررسی سند و تحلیل احوال راویان توجه شده است. این امر نشان می‌دهد که ارزیابی سندی و رجالی، هرچند به عنوان معیار نهایی اعتبار روایت تلقی نگشته، اما در اندیشه وی جایگاهی مهم دارد. در پاسخ به چرایی پرداخت نسبتاً فراگیر به مباحث رجالی و سندی در تقریرات ایشان، می‌توان گفت:

۱. «سیرتاریخی حجیت خبر واحد در اصول شیعه»، ص ۹۹ - ۱۳۸.

۲. برای آگاهی بیشتر، رک: «خبر واحد؛ سیرتاریخی بحث»، مصاحبه با آیت‌الله مددی.

۳. تقریر فقه معظم له، ص ۹۷.

۴. همان، ص ۳۳ و ۸۵.

۵. همان، ص ۹۷؛ فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۶۶.

نخست آن که بررسی سند و راویان در این رویکرد، نه به عنوان حدّ قطعی اعتبار، بلکه به منزله یکی از قرائن مؤثر در حصول وثوق به صدور حدیث تلقی می‌شود. بدین سان، وثاقت راویان، اتصال سند و جایگاه رجالی ناقلان می‌تواند در کنار قرائنی چون موافقت با کتاب، شهرت فتوایی یا نقل در منابع معتبر، در شکل‌گیری اطمینان به صدور روایت نقش‌آفرین باشد.^۱ دوم آن که این توجه را می‌توان ناظر به همراهی با سنت رایج حدیث‌پژوهی معاصر شیعه دانست؛ زیرا بخش مهمی از ادبیات فقهی موجود بر تحلیل‌های سندی و رجالی استوار است و بی‌اعتنایی کامل به آن، به گسست از چارچوب‌های متعارف پژوهش‌های فقهی مبتنی بر حدیث می‌انجامد. و سوم آن که در مقام تعارض روایات نیز ویژگی‌های سندی و رجالی می‌تواند به عنوان یکی از مرجحات ایفای نقش کند.^۲

۲-۱. منهج تلفیقی در ارزیابی روایات

بررسی شیوه عملی آیه الله خامنه‌ای در ارزیابی روایات نشان می‌دهد که روش ایشان را می‌توان روشی تلفیقی دانست؛ روشی که در آن از عناصر و ظرفیت‌های چند شیوه شناخته‌شده در دانش حدیث، یعنی منهج رجالی، فهرستی و مشایخی، به صورت پیوسته بهره گرفته می‌شود. این رویکرد ترکیبی با مبنای وثوق به صدور نیز کاملاً سازگار است؛ زیرا در این مبنا، حصول اطمینان به صدور روایت از رهگذر مجموعه‌ای از قرائن و شواهد گوناگون دنبال می‌شود و هریک از این روش‌ها می‌تواند بخشی از این منظومه قرائن را فراهم سازد. در چارچوب منهج رجالی، بررسی سلسله سند و ارزیابی شخصیت راویان از حیث وثاقت و عدالت، مذهب، جایگاه علمی و میزان اعتماد عالمان رجال به آنان صورت می‌گیرد. این عناصر در منظومه روشی ایشان، نه معیار نهایی اعتبار، بلکه قرائنی برای تقویت یا تضعیف احتمال صدور روایت‌اند. در کنار آن، توجه به منهج فهرستی نیز در شیوه ایشان آشکار است؛ بدین معنا که افزون بر راویان، خود کتاب حدیثی و جایگاه آن در سنت علمی اصحاب نیز مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. از این رو، اموری چون شهرت و رواج کتاب، قدمت آن، میزان اعتماد اصحاب به آن و جایگاه مؤلف، در ارزیابی اعتبار روایات مؤثر شمرده می‌شود.^۳

۱. برای نمونه رک: تقریر فقه معظم له، ص ۱۴۴.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: التحلیل الفهرستی، ص ۲۴۳ - ۲۷۴؛ حدیث و اعتبار کتاب‌محور، سرتاسر؛ «ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی، دیدگاه‌ها و مبانی»، ص ۲۵ - ۵۶.

افزون براین، بهره‌گیری از منهج مشایخی نیز در این چارچوب قابل تشخیص است؛ بدین معنا که حضور برخی محدثان بزرگ و نقادان برجسته در سلسله سند، خود می‌تواند قرینه‌ای بر اعتبار روایت باشد.^۱ بدین سان، روش آیه الله خامنه‌ای در اعتبارسنجی حدیث، روشی جامع و قرینه‌محور است که از مجموع این شواهد، اطمینان عقلایی به صدور روایت حاصل می‌شود.

۲. شواهد وثوق‌زا

بر پایه مبنای وثوق به صدور، اعتبار روایت در نگاه آیه الله خامنه‌ای از کنار هم قرار گرفتن قرائن و شواهد گوناگون به دست می‌آید. با این حال، بررسی تقریر درس خارج فقه طهارت خمر نشان می‌دهد که در میان این قرائن، شواهد کتاب جایگاهی برجسته‌تر و کاربردی گسترده‌تر دارد. مقصود از شواهد کتاب، قرائنی است که به منبع حدیث، مؤلف آن، جایگاه کتاب در میان اصحاب و میزان اعتماد عالمان به آن بازمی‌گردد.^۲ در این رویکرد، منبع روایی صرفاً ظرف نقل حدیث نیست، بلکه خود می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت اطمینان به صدور روایت باشد.

۲-۱. جوامع حدیثی

از منظر آیه الله سید مجتبی خامنه‌ای، یکی از سطوح مهم در ارزیابی اعتبار روایات، توجه به شواهد کتاب در قلمرو جوامع حدیثی است. مراد از این سطح، بررسی جایگاه و اعتبار آثاری است که در سنت حدیثی امامیه، به منزله جوامع مادر و منابع سامان‌یافته نقل حدیث شناخته می‌شوند؛ آثاری که وثاقت و اعتبار آن‌ها صرفاً تابع بررسی تک‌تک اسناد نیست، بلکه از رهگذر منزلت علمی مؤلف، دقت روشی او، نحوه تلقی اصحاب و قرائن همراه کتاب، منشأ وثوق به صدور روایات می‌گردد. ایشان در تبیین اعتبار احادیث کتاب الکافی می‌فرماید:

صدور تمامی روایات الکافی از امامان معصوم علیهم‌السلام حتمی است. البته این مبنا به معنای اخباری‌گری نیست، بلکه بسیاری از اصولیون، مانند نائینی، نیز همین مبنا را

۱. برای نمونه رک: دراسات فی مبانی علم الرجال، ص ۶۷؛ برای نمونه رک: تقریر فقه معظم له، ص ۲۸، ۳۳، ۴۱، ۵۶، ۱۳۱ و...

۲. برای آگاهی بیشتر رک: ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه، سرتاسر کتاب.

قبول کرده و فارغ از مباحث سندی، حکم به صدور قطعی مضامین همه روایات الکافی داده‌اند.^۱

نقطه اتکای اصلی در این باب، شهادت کلینی در مقدمه الکافی است؛ شهادتی که حاکی از صحت و اعتمادپذیری احادیث کتاب است.^۲ از این رو، این گواهی صرفاً یک بیان مقدماتی یا تعارف علمی شمرده نمی‌شود، بلکه قرینه‌ای جدی بر اعتبار احادیث کتاب و قابلیت استناد به آن‌ها در مقام عمل است. بر اساس همین مبنا، حتی اگر از قلمرو دقیق این شهادت فراتر نرویم، دست کم می‌توان گفت کلینی در تدوین الکافی از روایانی که به کذب یا غلو متهم بوده‌اند، نقل حدیث نکرده است؛ زیرا اتصاف راوی به دروغ‌پردازی یا غلو، با وصف صحیح بودن احادیث او قابل جمع نیست. بنابراین، شهادت کلینی دست کم متضمن نوعی پالایش رجالی در سطح کلان بوده و نشان می‌دهد شبکه روایی کتاب از راویان متهم به این دو آفت شدید حدیثی، خالی یا تا حد زیادی مصون بوده است.^۳

با این حال، آیه الله خامنه‌ای دامنه این شهادت را مطلق و شامل همه مضامین الکافی نمی‌داند، بلکه آن را مختص آموزه‌های فقهی تلقی می‌کند. بر این اساس، گزارش‌های غیر فقهی موجود در کتاب، اعم از روایات اخلاقی، اعتقادی، تفسیری، تاریخی و مانند آن، مشمول شهادت کلینی در مقدمه کتاب نیستند. این تفکیک از آن جهت اهمیت دارد که مانع از تعمیم بی‌ضابطه اعتبار اجمالی کتاب به همه ابواب آن می‌شود.^۴

افزون بر این، ایشان به منهج تألیف کلینی نیز توجه ویژه دارد. بر اساس تحلیلی که از مقدمه الکافی ارائه می‌کند، کلینی در مقام تألیف، درصدد گردآوری تمامی روایات موجود نبوده است، بلکه کوشیده روایاتی را در کتاب خود گرد آورد که با تشخیص و مبانی حدیثی وی سازگار بوده‌اند. از این رو، از ذکر روایات متعارض خودداری کرده است.^۵

این نکته، از نظر آیه الله خامنه‌ای، شاهدی مهم برگزینش‌گری آگاهانه کلینی و نیز بر اعتبار روایی مجموعه کتاب به شمار می‌رود. در نتیجه، الکافی در این سطح، نه صرفاً

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۷۵-۷۶.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۸.

۳. همان، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۸۱.

۵. برای آگاهی بیشتر رک: «بررسی تطبیقی روش محدثین متقدم در رفع تعارض اخبار»، ص ۱۱۰.

مجموعه‌ای روایی، بلکه منبعی حدیثی برخوردار از قرائن متعدد تلقی می‌شود؛ منبعی که در آن، شهادت مؤلف، منهج‌گزینش و جایگاه تاریخی کتاب، همگی در ایجاد وثوق به صدور روایات نقش دارند.

همچنین، درباره کتاب من لا یحضره الفقیه می‌فرماید:

دیدگاه شیخ صدوق در روایات کتاب من لا یحضره الفقیه نیز نظیر کلینی در الکافی است و قائل به صحیح بودن روایات خود در کتاب من لا یحضر بوده‌اند؛ زیرا شیخ صدوق در مقدمه من لا یحضر فرموده است:

«... بل قصدت إلی ایراد ما أفتی به، و أحکم بصحته، و أعتقد فيه أنه حجة فیما بینی و بین ربی تقدس ذکره...»^۱

آیت‌الله خامنه‌ای با تکیه بر تصریح شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه،^۲ احادیث مندرج در این کتاب را برگرفته از مصادر مشهور، معتبر و مورد اعتماد امامیه می‌داند. از نظر ایشان، اهمیت این شهادت در آن است که صدوق روایات کتاب خویش را نه از مجاری ناشناخته و غیرمطمئن، بلکه از اصول و منابعی اخذ کرده است که در میان اصحاب از شهرت و مقبولیت برخوردار بوده‌اند؛ از این رو، همین انتساب به مصادر مشهور، خود به منزله قرینه‌ای مهم در تقویت وثوق به روایات من لا یحضره الفقیه به شمار می‌آید. افزون بر این، ایشان به منهج تألیف و شیوه‌گزینش روایات در کتاب من لا یحضره الفقیه نیز توجه دارد. برپایه آنچه صدوق در مقدمه کتاب بیان کرده است، وی در مقام گردآوری تمامی روایات یک باب نبوده، بلکه تنها آن دسته از احادیث را در کتاب خود درج کرده است که براساس آن‌ها فتوا می‌داده و به صحت و حجیت آن‌ها اعتماد داشته است.^۳ لازمه چنین رویکردی آن است که کتاب من لا یحضره الفقیه صرفاً یک جامع حدیثی ناقل همه وجوه روایی نباشد، بلکه کتابی گزینشی و ناظر به فتوای مؤلف باشد. بر همین اساس، صدوق از نقل روایات متعارض و گزارش‌هایی که با مبنای فقهی مختار او سازگار نبوده‌اند، خودداری کرده است. در نتیجه، از منظر آیه الله خامنه‌ای، هم اعتبار مصادر مأخذ کتاب و هم گزینش‌گری فتوایی مؤلف، دو شاهد کتابی مهم در تقویت اعتبار روایات من لا یحضره

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۸۳.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۳. همان.

الفقیه به شمار می‌آیند.^۱

آیه الله خامنه‌ای به منهج حدیثی و شیوه تنظیم روایات در کتاب تهذیب الأحکام عنایت ویژه‌ای دارد و همین نکته را در ارزیابی اعتبار احادیث این اثر دخیل می‌داند. به نظر ایشان، تهذیب الأحکام صرفاً یک جامع حدیثی عادی نیست، بلکه کتابی است که شیخ طوسی آن را با غرضی روشن و روشی سنجیده سامان داده است؛ چه آن‌که وی این اثر را در مقام شرح کتاب المقنعه شیخ مفید و با هدف تحلیل روایات متعارض و ارائه راه حل‌های گوناگون برای رفع یا تدبیر تعارضات روایی تألیف کرده است.^۲ از همین رو، نحوه چینش احادیث در این کتاب، خود حاوی دلالت روشی و دارای ارزش اعتبارسنجانه است.

بر پایه این تحلیل، شیخ طوسی در تهذیب الأحکام غالباً سه دسته روایت را در کنار یکدیگر می‌آورد: نخست، روایاتی که مضمون آن‌ها با دیدگاه برگزیده شیخ مفید و نیز رأی خود شیخ طوسی هماهنگ است؛ دوم، روایاتی که در تعارض با دسته نخست قرار دارند و شیخ معمولاً آن‌ها را با تعبیری مانند «أما ما رواه...» وارد بحث می‌کند؛ و سوم، روایاتی که شیخ آن‌ها را به عنوان مؤیدات وجوه جمع میان دو دسته پیش گفته ذکر می‌نماید.^۳ از منظر آیه الله خامنه‌ای، التفات به این ساختار روشمند در تنظیم ابواب تهذیب الأحکام، در فهم جایگاه هر روایت و درجه اتکای شیخ به آن نقشی اساسی دارد. ایشان روایاتی را که پیش از تعبیر «أما ما رواه...» در تهذیب الأحکام آمده‌اند، واجد اعتبار بیشتری می‌دانند؛ زیرا این دسته، در واقع، احادیثی‌اند که شیخ آن‌ها را در مقام تقریر دیدگاه برگزیده و هماهنگ با مبنای فقهی مورد قبول خویش و استادش ذکر کرده است. در مقابل، روایات پس از این تعبیر، غالباً در مقام طرح معارض و برای تکمیل فرایند حل تعارض وارد شده‌اند. از این رو، جایگاه روایت در ساختار استدلالی تهذیب الأحکام، به مثابه یک شاهد اعتبار، در سنجش میزان اعتماد به آن مؤثر است.^۴

افزون بر این، آیه الله خامنه‌ای به شیوه اسنادی شیخ طوسی نیز توجهی دقیق دارد. ایشان تصریح می‌کند که شیخ در موارد فراوان، سند روایت را با نام مؤلف یا صاحب کتاب آغاز

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۸۳.

۲. برای نمونه رک: همان، ص ۸۳ و ۸۵.

۳. رک: استناد در روش شناخت رجال اسناد، ص ۸۹ - ۹۵.

۴. تقریر فقه معظم له، ص ۷۷ و ۸۵ و ۱۱۵ و ۱۱۷.

می‌کند؛ روشی که نشان می‌دهد روایت را از متن یک کتاب یا اصل حدیثی اخذ کرده است، نه آن که سند کامل را ذکر کند. در چنین مواردی، برای ارزیابی دقیق سند، باید طریق شیخ طوسی به آن کتاب را در بخش مشیخه یا فهارس مرتبط پی جویی کرد.^۱

۲-۲. اصول و مصنفات محدثان معاصر معصومان (علیهم‌السلام)

سطح دوم از شواهد کتاب در منظومه فکری آیه الله خامنه‌ای، به اصول و مصنفات اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) اختصاص دارد؛ آثاری که به منزله هسته نخستین و زیرساخت اصلی شکل‌گیری جوامع حدیثی، نقشی بنیادین در انتقال میراث روایی امامیه ایفا کرده‌اند. از منظر ایشان، این دسته از منابع در فرایند اعتبارسنجی حدیث جایگاهی محوری دارند. در این چارچوب، می‌توان شواهد مربوط به این سطح را در دو گام مستقل، اما مرتبط، بررسی کرد: نخست، شواهد ناظر به مؤلف و دوم، شواهد ناظر به خود کتاب.

۲-۲-۱. شواهد مرتبط با مؤلف

به عنوان مقدمه باید گفت که راویان واقع در اسناد احادیث شیعی، همواره دو گونه نقش‌آفرینی داشته‌اند. گونه نخست، نقش اصلی یا تألیفی است. این نقش متعلق به راویانی است که خود صاحب اثر مکتوب، اصل یا مصنف حدیثی بوده‌اند و روایت مندرج در جوامع پسین، مستقیماً یا با واسطه، از کتاب ایشان اخذ و اقتباس شده است. در حقیقت، این دسته از راویان، پایه‌گذاران و حافظان اصلی میراث مکتوب شیعه هستند. گونه دوم، نقش تبعی یا روایتگری است. این کارکرد ناظر به راویانی است که صرفاً به عنوان حلقه‌های واسطه و گزارشگری، نسخه‌ها و تألیفات راویان صاحب‌اثر را به طبقات بعدی منتقل کرده‌اند.^۲

آیت الله خامنه‌ای با بازخوانی روش متقدمان امامیه، بر این باورند که هسته سخت اعتبارسنجی رجالی باید بر راویان مؤلف و صاحبان آثار حدیثی متمرکز باشد. در عصر متقدمان، اهتمام محوری عالمان شیعه معطوف به احراز استواری مذهب، وثاقت و ضابط بودن صاحبان اصول و مصنفات بوده است؛^۳ چراکه بر پایه توصیه‌های ائمه (علیهم‌السلام) بر

۱. همان، ص ۱۴۶.

۲. برای آگاهی بیشتر از نقش طریقی و تألیفی راویان رک: «منابع مکتوب، طرق تحمل و نقش چندگانه راویان در اعتبارسنجی احادیث امامیه»، سرتاسر اعتبارسنجی احادیث شیعه، ص ۱۹۴ - ۱۹۷.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: التحلیل الفهرستی، ص ۲۴۵ - ۲۶۰.

کتابت و مدیریت بی نقص ایشان در تدوین و انتقال تراث، کتاب و ویژگی‌های گوناگون آن، محور اعتبارسنجی احادیث میان اصحاب امامیه به شمار می‌رفت. بدین سان، در منظومه فکری معظم له، تلاش اصلی برای احراز وثاقت و ارزیابی رجالی باید متوجه صاحبان کتاب باشد؛ زیرا با اثبات اصالت کتاب و وثاقت مؤلف آن، ضعف یا ناشناخته بودن راویان واسطه، به ویژه در فرض شهرت کتاب یا وجود قرائن صحت انتساب، آسیب بنیادینی به حجیت و اعتبار روایت وارد نخواهد ساخت. از این رو، عمده توجه ایشان معطوف به ویژگی‌های راوی از آن جهت است که مؤلف یا نهایتاً ناقل کتاب است. برای نمونه، وی پس از اشکال به فساد مذهب بنی فضال و این که فساد مذهب ایشان، به ویژه در فرض تعارض، مانع از پذیرش گزارش‌های ایشان است، می‌فرماید:

زیرا عمار بن موسی ساباطی در سند روایت وجود دارد. عمار بن موسی، فارغ از توثیق شخصی، دارای کتاب معتبر در نزد اصحاب بوده است. کتب فهرستی - رجالی با تعبیری همچون «یرویه جماعة» و «کبیر جید معتمد» از کتاب وی تجلیل نموده‌اند... حتی شیخ طوسی تعبیری بهتر از عبارت نجاشی در مورد کتاب عمار بن موسی ذکر نموده است. شیخ درباره او فرموده است: «عمار بن موسی الساباطی و کان فطحاً له کتاب کبیر جید معتمد»... درباره اعتبار و عدم اعتبار سند فطحیه می‌توان چنین حکم کرد که اگر عمار ساباطی در سند وجود داشته باشد و از طرفی روایت مورد نظر در کتب اربعه باشد، سند روایت بدون بررسی معتبر است، ولو این که در چنین سندی فرد فاسقی چون شمر وجود داشته باشد؛ ولی اگر روایت در غیر کتب اربعه منقول از عمار ساباطی باشد، سند روایت بدون فحص معتبر نیست.^۱

این تعبیر به روشنی بر ترجیح رویکرد کتاب محور در مبانی اعتبارسنجی معظم له دلالت دارد؛ بدین معنا که در فرآیند نقادی حدیث، هرگز نمی‌توان نقش رجالی راوی را منفک و مجزا از جایگاه آثار مکتوب وی سنجید. در حقیقت، اصالت و اعتبار کتاب راوی، به مثابه یک قرینه متنی نیرومند، ضعف‌ها یا موانع گوناگون موجود در سلسله سند را تحت الشعاع قرار داده و آن را ترمیم می‌نماید. وی در نمونه‌ای دیگر می‌فرماید:

سند روایت بسیار معتبر است. وجه اعتبار سند روایت، شخص ابو علی أحمد بن إدريس اشعری قمی است. نجاشی و شیخ، فارغ از تأیید وثاقت شخصی ابن إدريس،

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۳۷ - ۳۹.

در تعبیری مشابه و فوق‌العاده‌ای نظیر «صحيح الرواية» و «كثير الحديث» از او تجلیل نموده‌اند. نجاشی در توصیف أحمد بن إدريس فرموده است: «كان ثقة فقيهاً في أصحابنا كثير الحديث صحيح الرواية له كتاب نوادر». هم‌چنین شیخ طوسی در مدخل او فرموده است: «أحمد بن إدريس أبو علي الأشعري القمي كان ثقة في أصحابنا فقيهاً كثير الحديث صحيحه له كتاب النوادر، كتاب كثير الفوائد».

تعبیری همچون «كثير الحديث» و «كتاب كثير الفوائد» نشان‌دهنده اعتبار عالی و توثیق عملی کتاب أحمد بن إدريس در میان اصحاب و فقها بوده است.^۱

این تحلیل موردی نیز به شایستگی نشان می‌دهد که در مبانی رجالی معظم‌له، نقش‌های دوگانه راوی در سلسله سند - نقش تألیفی در برابر روایتگری - پیوند وثیقی با اصالت تراث مکتوب دارد؛ امری که اثبات می‌کند در اعتبارسنجی احادیث، انفکاک شخصیت رجالی راوی از سرنوشت و اعتبار کتاب‌های حدیثی وی ناممکن است.

۲-۲-۲. شواهد مرتبط با کتاب

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در منظومه فکری آیه الله خامنه‌ای، شواهد ناظر به کتاب حدیثی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتبارسنجی احادیث به شمار می‌آید؛ تا آنجا که بررسی رجالی راوی، بدون التفات به چگونگی نقش‌آفرینی او در سند، رویکردی کافی تلقی نمی‌شود. در این میان، شهرت کتاب نزد معظم‌له از جایگاهی ویژه برخوردار است. مراد از شهرت کتاب آن است که یک اثر حدیثی، بلافاصله پس از تألیف یا اندکی پس از آن، مورد اقبال محدثان امامیه قرار گرفته و شمار بسیاری از راویان، آن را از مشایخ خود تحمل و تلقی کرده باشند؛ به گونه‌ای که نسخه‌های متعددی از آن پدید آمده باشد.^۲ ایشان برای این شهرت، پیامدهای مهم و اثرگذاری قائل‌اند که در ادامه بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۲-۱. وثاقت و جلالت نگارنده

نخستین اثر مترتب بر شهرت یک اثر حدیثی، احراز وثاقت مؤلف آن و، بلکه فراتر از آن، کشف جلالت و منزلت علمی وی است. آیه الله خامنه‌ای در نمونه‌ای می‌نویسد:

روایت مورد بحث نیز مانند روایت سابق معتبر است؛ زیرا علاء بن رزین القلاء از

۱. همان، ص ۵۶.

۲. برای آگاهی بیشتر رک: التحلیل الفهرستی، ص ۱۵۹ - ۱۶۶.

راویان ثقه و مؤلف کتاب‌های مشهور است. ذیل نام علاء با تعبیر «له کتب یرویهها جماعة» در جلالت او کفایت می‌کند.^۱

با این حال، در منابع رجالی مواردی نیز یافت می‌شود که با وجود شهرت کتاب منسوب به برخی راویان، تضعیف آنان گزارش شده است.^۲ تبیین چرایی این پدیده و تحلیل نسبت میان شهرت کتاب و تضعیف رجالی صاحب آن، نیازمند بررسی مستقل و تفصیلی است و مجال دیگری می‌طلبد.

۲-۲-۲. اعتبار احادیث کتاب مشهور

دومین پیامد شهرت کتاب، اعتبار و حجیت اجمالی گزارش‌های مندرج در آن اثر مشهور است. آیه الله خامنه‌ای در تبیین این مبنا، سخنی نزدیک به بیان اجماع تقریری^۳ ارائه می‌کند. ایشان در تبیین این نظریه می‌فرماید:

بنابراین این نکته اعتبار بالایی به روایت می‌بخشد و اگر روایتی هم بر مسئله مورد نظر دلالت و هم در چنین کتبی وجود داشته باشد، درجه اعتبار روایت بسیار بالا می‌رود. عمل اصحاب به کتب روایی عبدالله بن سنان، کاشف از صحت مضامین روایات اوست؛ چراکه امکان ندارد چنین فردی خلاف واقع بگوید و امام در موردش ردی نفرموده باشد. طبق این بیان، تمام روایاتی که در کتب مشهور بوده‌اند، مورد امضای معصوم قرار گرفته‌اند؛ زیرا اگر خلاف واقع می‌بود، امام باید کلام و روایت صحیح را به مؤمنین می‌رساند و این به شهرت خاتمه می‌داد و لذا اکنون که این شهرت شکسته نشده است، دلالت بر نوعی امضای معصوم بر کتب روایی او دارد...^۴

توضیح، آن که اگر محتوای کتاب‌های مشهور، واجد انحراف یا کژی غیرقابل پذیرش بود، مقتضای لطف و هدایت آن بود که معصوم علیه السلام با القای خلاف، اصحاب را از انحراف عملی بازدارد. از این رو، استمرار شهرت کتاب و تلقی به قبول آن میان اصحاب، خود قرینه‌ای بر اعتبار اجمالی و حجیت روایات مندرج در آن‌ها به شمار می‌آید.

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۳۰ - ۳۱.

۲. برای نمونه رک: رجال نجاشی، ص ۲۰۰، ش؛ ص ۲۲۶، ش؛ ص ۵۹۴، ش؛ ص ۲۴۴، ش؛ ص ۶۴۱ و...

۳. رک: البیان، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.

۴. تقریر فقه معظم له، ص ۹۷.

۲-۲-۳. بی‌نیازی از بررسی احوال راویان تا مولف

سومین برون داد شهرت کتاب، بی‌نیازی راویان ناقل آن - که صرفاً نقش روایت‌گری داشته‌اند، نه نقش تألیفی - از احراز وثاقت مستقل است. توضیح آن‌که، چنان‌که گذشت، راویان در اسناد حدیثی از دو سنخ کارکرد برخوردارند: نقش تألیفی و روایت‌گری؛ برپایه مبنای آیه‌الله خامنه‌ای، در مواردی که سخن از کتاب‌های مشهور در میان است، بررسی رجالی راویان واقع در طریق این آثار، لزوماً متوقف بر احراز وثاقت تک‌تک آنان نیست. وی در تبیین این دیدگاه می‌فرماید:

... بنابراین، بر طبق آنچه بیان شد، روایات موجود در کتب عبدالله بن سنان صحیح و صدور آن‌ها از امام محرز است و اصلاً نیازی به بررسی سندی ندارد. حتی در فرض عدم وثاقت برخی رجال در سند، صرف وجود عبدالله بن سنان در شمار راویان برای اعتبار این روایت کافی است؛ زیرا کتاب او نزد شیخ طوسی و نجاشی موجود بوده است و این موجودیت کتاب از عبارتی مانند «وصف الكتب المشهورة...» در رجال نجاشی و نیز از نقل مستقیم شیخ از علی بن مهزیار در تهذیب الأحکام استظهار می‌شود.

پس در نظر مختار، اگر بین شیخ و علی بن مهزیار و نیز میان او و امام، افرادی مانند شمر هم وجود داشته باشند، به اعتبار روایت خدشه‌ای وارد نمی‌کند. مثلاً اگر کتاب مفاتیح الجنان را انتشارات بهایی‌ها چاپ کند، لطمه‌ای به اعتبار کتاب وارد نمی‌شود و اگر آنان در آن دخل و تصرف کنند، میان اهل فن سر و صدا خواهد شد. البته احتمال تغییرات جزئی محتمل است؛ اما تغییرات اساسی در متن و محتوا ممکن نیست و تغییرات جزئی نیز مانع از حجیت کتاب نیست. کتب مشهوری نظیر کتب عبدالله بن سنان و علی بن مهزیار نیز از همین قبیل‌اند...^۱

بدیهی است که ایشان در عبارات خویش، به صراحت بر انحصار بی‌نیازی از توثیق واسطه‌ها در خصوص کتب مشهور تصریح نفرموده‌اند؛ با این حال، از سیاق عملی ایشان، که تنها در مواجهه با کتب دارای شهرت، از احراز وثاقت راویان طریق چشم‌پوشی نموده‌اند و نیز در مواردی که کتاب از شهرت کافی برخوردار نبوده، به ارزیابی رجالی سلسله روات

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۹۸.

منتهی بدان همت گماشته‌اند، به روشنی استنباط می‌گردد که قاعده یادشده مختص به آثار مشهور است..^۱ مؤید این مدعا، تعلیل ایشان است که فرموده‌اند:

اگر کتاب مفاتیح الجنان را انتشارات بهایی‌ها چاپ کند، لطمه‌ای به اعتبار کتاب وارد نمی‌شود و اگر آن‌ها در آن دخل و تصرف کنند، بین اهل فن سر و صدا خواهد شد.^۲

از این بیان برمی‌آید که صرف احتمال دخل و تصرف در متون غیرمشهور - که از گزند دس و تحریف و فزونی و کاستی مصون نیستند - اقتضا می‌کند که راویان طرق آن‌ها، برخلاف کتب مشهور، همچنان نیازمند احراز وثاقت باشند.

۲-۲-۴. ترجیح روایات کتاب مشهور هنگام تعارض

دیگر برون داد شهرت کتاب، نقش‌آفرینی آن در فضای تعارض اخبار و در مقام «ترجیح» یکی از دو دلیل است. معظم‌له حضور حدیث در کتب مشهور را از معیارهای بنیادین در ترجیح یک دسته از اخبار بردسته دیگر دانسته است. ایشان در متن تفصیلی بحث طهارت و نجاست خمر، با عنایت به این سنج، چنین اذعان می‌دارد:

همان‌گونه که گفته شد، شهرت روایات طهارت کمتر از روایات نجاست نیست که در ذیل شهرت هر دو دسته بررسی شده است؛ بنابراین، نمی‌توان به آسودگی از کنار آن‌ها گذشت.^۳

این تعبیر، به روشنی گویای آن است که در نگاه وی، نقل حدیث در کتاب مشهور کفه ترازو را به گاه تعارض، به نفع آن سنگین می‌سازد. از این رو، روایات فاقد این پشتوانه تراثی، در برابر اخبار موجود در کتب مشهور، از توان اثباتی کمتری برخوردار بوده و در مقام تعارض، مرجوح واقع می‌شوند.

۲-۲-۵. شهرت روایی و عملی حدیث

در دانش اصول فقه امامیه، «شهرت روایی» به معنای مشهور بودن یک حدیث نزد عالمانی که واجد شأنیت حدیث‌شناختی هستند، به عنوان یکی از مرجحات در تعارض دو دسته روایات متعارض مطرح شده است. همچنین، «شهرت عملی» - که به معنای استناد

۱. تقریر فقه معظم‌له، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

۲. همان، ص ۱۴۶.

۳. همان، ص ۲۰۵.

مشهور فقیهان به یک روایت خاص در استنباط احکام است - در صورت ضعف در سند یا صدور حدیث، می‌تواند به عنوان جبران‌کننده آن ضعف عمل نماید. با این حال، درباره اعتبار حجیت این دو نوع شهرت، در کنار «شهرت فتوایی» میان اصولیان امامیه اختلاف نظری جدی وجود دارد.^۱

محقق بروجردی - که در تحقیقات فقهی خود به میراث فقهای متقدم شیعه اهتمام ویژه‌ای داشته - در تحلیل مفهوم شهرت، دیدگاهی متمایز ارائه می‌دهد. ایشان معتقد است که اگر شهرت در محدوده آن دسته از کتب حدیثی شکل گرفته باشد که با هدف گردآوری اصول متعلقات از معصومان (علیهم‌السلام) و بیشتر در فاصله زمانی اواخر عصر حضور ائمه (علیهم‌السلام) تا اوایل غیبت صغری تألیف شده‌اند، آنگاه این شهرت، هم به عنوان دلیل مستقل، هم به عنوان جابر ضعف در مسئله صدور روایت و هم به عنوان مرجح در مقام تعارض روایات، دارای کارآمدی و اعتبار خواهد بود.^۲

آیت الله خامنه‌ای نیز همسوبا دیدگاه آیه الله بروجردی و با تأکید بر محوریت شهرت کتاب، برداشتی فراتر از نگاه محقق بروجردی از این مفهوم ارائه می‌نماید. از منظر معظم له، مفهوم «شهرت کتاب» معادل و دربرگیرنده هر دو مفهوم شهرت روایی و شهرت عملی است. توضیح آن که، شهرت یک کتاب حدیثی به این معناست که اثر مذکور، بلافاصله پس از تألیف یا در فاصله‌ای کوتاه، با اقبال گسترده محدثان معاصرو پسین مواجه شده و این امر به تکثیر و انتشار نسخه‌های متعددی از آن انجامیده است. این پدیده، عیناً به معنای شهرت روایی است؛ زیرا حاکی از تلقی و تحمّل آن احادیث از سوی جامعه محدثان است. ایشان سپس استدلال می‌فرماید که این پذیرش جمعی، بی‌تردید با قصد عمل به مضامین آن روایات همراه بوده است؛ بنابراین، این شهرت، حاوی شهرت عملی نیز هست.^۳

۳. شواهد و ثبوت‌زدا

۳-۱. شواهد مرتبط با منبع حدیثی

در این جستار به تحلیل شواهدی پرداخته خواهد شد که از منظر آیه الله سید مجتبی

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: «واکوی ماهیت شهرت روایی در اندیشه عالمان شیعه و فرآیند شناسایی آن»، ص ۱۷۷ - ۲۰۱.

۲. برای آگاهی بیشتر، رک: «سید الطائفة البروجردی»، ص ۸۰ - ۹۳.

۳. تقریر فقه معظم له، ص ۱۲۵. نیز، رک: همان، ص ۱۱۲.

خامنه‌ای موجب خدشه در اعتبار حدیث یا تضعیف وثوق به محتوای حدیث می‌شوند. این قرائن در سه حوزه منبع حدیثی، راویان و متن حدیث قابل دسته‌بندی است.

۳-۱-۱. انفراد طریق کتاب حدیثی

تفرد در نقل یا انفراد راوی در گزارش یک حدیث، از جمله شواهد رجالی و حدیثی است که می‌تواند اطمینان به اعتبار روایت را کاهش دهد؛ زیرا در حالت انفراد، روایت از تأییدهای بیرونی و نقل‌های همسو محروم می‌ماند و تمام بار اثباتی آن بر صحت عملکرد یک ناقل متمرکز می‌شود. در تقریرات درس معظم له، این قاعده در تحلیل روایات یونس بن عبدالرحمن منعکس شده است؛ بدین معنا که کتب روایی یونس معتبر تلقی می‌شوند، مگر در مواردی که ناقل منفرد آن‌ها محمد بن عیسی بن عبید باشد و شخص دیگری آن را روایت نکرده باشد؛ زیرا در چنین فرضی به روایت وی اعتماد نشده و برفوق آن فتوا داده نمی‌شود.^۱ اهمیت این معیار در آن است که از منظر ایشان، روایات منفرد سنگ محک اصلی در سنجش میزان وثاقت و اعتبار واقعی راوی به شمار می‌روند؛ چرا که در روایات غیرمنفرد، اعتبار نقل ممکن است تحت تأثیر قرائن و مؤیدات دیگران حاصل شود. ایشان پس از گزارش دیدگاه شیخ صدوق درباره عبیدی می‌فرماید:

... منفردات روایی محمد بن عیسی اعتبار ندارد، حال آن‌که اعتبار مهم در توثیق شخص، همان اعتبار روایات منفرد است؛ زیرا در غیر منفردات هر شخصی می‌تواند معتبر باشد.^۲

نمود عینی این مبنا در بررسی آرای شیخ صدوق و شیخ طوسی درباره مستثنیات ابن ولید آشکار می‌شود؛ زیرا تکیه بر استثنای منفردات محمد بن عیسی نشان‌دهنده سلب اعتماد از وی در فرض تفرد است:

عبارات شیخ و نجاشی در نقل مستثنیات ابن ولید ظهور در عدم اعتماد به روایات منفرد محمد بن عیسی دارد.^۳

همچنین اثر تضعیفی تفرد با «انقطاع سند» تشدید می‌شود و حتی می‌تواند بستر ساز کشف تدلیس سندی باشد؛ چنان‌که در نقل محمد بن عیسی از حسن بن محبوب، اتصال

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۶۴ و ۶۶.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۶۶.

ظاهری سند در واقع، منقطع بوده و واجد نوعی تدلیس دانسته شده است.^۱

۲-۱-۳. ناهمسویی مضمون حدیث با عنوان و موضوع کتاب

از دیگر قرائنی که در منظومه اعتبارسنجی آیه الله خاмене‌ای می‌تواند به تضعیف وثوق به صدور حدیث بینجامد، ناهمسویی مضمون روایت با عنوان و موضوع کتابی است که روایت در آن ثبت و گزارش شده است. در این نگاه، کتاب حدیثی صرفاً ظرفی بی‌طرف برای گردآوری اخبار نیست، بلکه خود واجد ساختار، غایت و جهت‌گیری موضوعی خاصی است. از این رو، انتظار می‌رود روایات مندرج در آن با عنوان و محتوای کلی کتاب تناسب داشته باشند. بر همین اساس، اگر روایتی در کتابی ثبت شده باشد که مضمون آن با شأن و موضوع آن کتاب ناسازگار باشد، می‌تواند قرینه‌ای بر اختلال در انتساب، خطا در نقل یا تردید در اعتبار روایت باشد. ایشان تصریح می‌کنند که همسویی مضمون حدیث با عنوان کتابی که در آن ثبت و گزارش شده، از معیارهای اعتبارسنجی است و فارغ از اعتبار یا عدم اعتبار سند روایت، مضمون روایت نیز باید با عنوان کتاب خود تناسب داشته باشد.^۲

نکته اساسی آن است که آیه الله خاмене‌ای تناسب محتوای روایات با موضوع و عنوان کتاب را امری حاشیه‌ای تلقی نمی‌کند، بلکه آن را یکی از شواهد مؤثر در ارزیابی حدیث می‌داند. از این رو، حتی اگر از حیث سند، راویان همگی ثقة باشند، این وثاقت لزوماً برای اثبات صدور روایت کافی نیست؛ زیرا ممکن است روایت در فرایند انتقال، انتساب یا ثبت، دچار اختلال شده باشد. برای نمونه، در بحث از میراث ابوبصیر، با آن‌که نجاشی «کتاب یوم وليلة» و شیخ طوسی «کتاب مناسک الحج» را برای او ذکر کرده‌اند، درباره برخی روایات منسوب به این کتاب، چنین اشکال می‌شود:

کتاب یوم وليلة تناسبی با برخی مسائل نظیر موضوع روایت نهم ندارد...^۳

و نیز:

... روایت سیزدهم غیر از ضعف سندی، به لحاظ عدم تناسب با عنوان کتاب راوی

نیز تضعیف می‌شود.^۴

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۶۴ و ۶۸.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. همان.

۴. تقریر فقه معظم له، ص ۵۴ و ۵۵.

۲-۳. شواهد مرتبط با راویان

۱-۲-۳. فساد مذهب

در منظومه اعتبارسنجی آیه الله خامنه‌ای، «فساد مذهب» به عنوان یکی از شواهد مؤثر در تضعیف راوی تلقی می‌شود. اما این اثرگذاری مطلق و یک‌نواخت نیست. انحراف مذهبی راوی، مانند فطحی‌گری یا واقفی‌گری، همواره ملازم با کذب و جعل حدیث دانسته نمی‌شود. از این رو، فساد مذهب با آن‌که قرینه‌ای بر کاهش اعتماد به خبر است، دلیل روشنی بر سقوط روایت از اعتبار نخواهد بود.^۱ بر همین اساس، ایشان میان «فساد مذهب» و «اتهام به دروغ‌پردازی» تفکیک کرده و این دورا از حیث آثار رجالی و حدیثی هم‌سنخ نمی‌داند.^۲

نمونه روشن این رویکرد، عمار بن موسی سبابی است. هرچند او فطحی مذهب است، اما در فهارس، برای او کتابی «کبیر، جید و معتمد» گزارش شده و بر شهرت نقل آن میان اصحاب نیز تأکید گردیده است.^۳ از همین رو، اگر روایت او در کتب اربعه ثبت شده باشد، همین ثبت روایی در کنار شهرت کتاب، می‌تواند در جبران اثر منفی فساد مذهب مؤثر واقع شود؛ اما در صورت نقل روایت از او خارج از کتب اربعه و بدون قرائن تکمیلی، چنین سندی به تنهایی برای اثبات اعتبار کافی نخواهد بود.^۴

این مبنا درباره احمد بن حسن بن علی بن فضال نیز صادق است. با این‌که در برخی نقل‌ها از وجاهت شخصی او یاد شده است، فطحی بودن وی در ارزیابی نهایی بی‌اثر نبوده و موجب می‌شود که در فرض انفراد یا فقدان قرائن جبران‌کننده، روایت او فاقد مرتبه اطمینان لازم باشد.^۵ همچنین درباره عبدالله بن محمد حجاج، با وجود گزارش واقفی بودن، شهرت کتاب و نقل آن توسط «عده من أصحابنا» به عنوان قرینه‌ای جبران‌گر در اعتبارسنجی نقش می‌یابد.^۶ بر این اساس، فساد مذهب به خودی خود موجب بی‌اعتباری روایت نمی‌شود، بلکه صرفاً از میزان وثوق به صدور آن می‌کاهد؛ به گونه‌ای که در صورت وجود قرائن

۱. برای آگاهی بیشتر رک: تضعیف راویان؛ بازخوانی مبانی و معیارهای عالمان رجالی در پنج قرن نخست هجری، ص ۱۹۳ - ۲۰۸.

۲. تقریر فقه معظم له، ص ۳۸.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۹۰، ش ۷۷۹؛ فهرست الطوسی، ص ۱۸۹، ش ۵۲۶.

۴. تقریر فقه معظم له، ص ۳۸.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۳۲.

جبران‌کننده، می‌توان این کاستی را جبران کرد و به اعتبار روایت اطمینان یافت.

۲-۲-۳. تضعیف راوی

یکی از چالش‌های بنیادین در فرایند اعتبارسنجی سند، مواجهه با «تضعیف راوی» از سوی رجالیان متقدم است. در رویکرد وثوق‌محور آیه الله خامنه‌ای، تضعیف رجالی به مثابه یک گزاره تعبدی محض که ملازم با سقوط روایت از اعتبار باشد، تلقی نمی‌شود. ایشان تصریح می‌کند که برپایه اشکال در اصل حجیت تعبدی امارات رجالی، طرد کلی چنین روایاتی صرفاً به مجرد ضعف [سند] صحیح نیست؛ لکن کیفیت و میزان اتکای به آن‌ها متفاوت است.^۱ از این رو، جرح یا تضعیف راوی نه نقطه پایان تحلیل، بلکه آغاز واکاوی قرائن و ارزیابی شواهد پیرامونی است.

گام نخست در این تحلیل، تفکیک گونه‌های تضعیف است. از دیدگاه آیه الله خامنه‌ای، روایات ضعیف از حیث منشأ تضعیف به دو دسته اساسی تقسیم می‌شوند: نخست، ضعف اعتقادی، مانند غلو و جبر، که ملازم با دروغ‌گویی در نقل یا عدم وثاقت در روایت نیست؛ چنان‌که می‌فرماید:

گاهی ضعف اعتقادی، مثل غلو و جبر، به راوی نسبت داده شده است که با مسائلی مانند طهارت بثر ارتباطی ندارد.^۲

دوم، اتهام به کذب و وضع حدیث، که اساس قابلیت اعتماد به نقل را نشانه می‌رود؛ در این فرض، روایت دیگر، روایت ضعیف به معنای مصطلح نیست، بلکه ممکن است از اساس بی‌ریشه باشد.^۳

نمونه بارز این قسم اخیر، محمد بن موسی بن عیسی همدانی است. نجاشی به نقل از ابن‌ولید قمی درباره او می‌نویسد:

ضعفه القمیون بالغلو وکان ابن‌الولید یقول: إنه کان یضع الحدیث.^۴

و شیخ طوسی نیز از ابن‌ولید نقل می‌کند^۵ که به دلیل موضوع بودن روایات او، از نقل آن‌ها

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. همان.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۳۸، ش ۹۰۴.

۵. فهرست الطوسی، ص ۱۷۴، ش ۲۶۹.

خودداری می‌کرده است.^۱

از دیگر پیچیدگی‌ها، تعارض میان آرای رجالیان درباره یک راوی است. آیه الله خامنه‌ای در تحلیل تعارض توثیق و تضعیف رجالیان درباره سهل بن زیاد آدمی، دو مبنای رجالی ارائه می‌دهند: نخست، تقدم فهرست شیخ بر رجال او؛ زیرا از دیدگاه آیه الله بروجردي، رجال شیخ به منزله مُسَوِّدَه و یادداشت‌های اولیه بوده و نظر نهایی وی در فهرست آمده است. دوم، تفکیک نقد رفتاری از تضعیف روایی؛ چنان‌که درباره تعبیر فضل بن شاذان در حق سهل «هو الأحمق»، این احتمال مطرح می‌شود که چنین عبارتی ناظر به رفتار و درک او باشد، نه شخصیت حدیثی وی.^۲

در نهایت، تضعیف راوی در این نظام فکری زمانی به بی‌اعتباری روایت می‌انجامد که با قرائن جبران‌کننده همراه نشود. درباره سهل بن زیاد، با وجود تضعیفات متعدد، کثرت روایات او در کافی و تهذیب و پذیرش عملی کلینی، قرینه‌ای قوی بر جبران تضعیفات منقول درباره وی می‌انجامد.^۳ در مقابل، تضعیف راویانی چون احمد بن حسن بن علی بن فضال یا محمد بن عیسی بن عبید، در فرض انفراد یا تعارض با روایات اقوی، به سبب نبود قرائن جبران‌کننده، روایتشان را فاقد حجیت و توان معارضه می‌سازد.^۴ بنابراین، تضعیف راوی در مبنای آیه الله خامنه‌ای شأنی قرینه‌ای دارد. جرح مبتنی بر کذب و جعل اثر تخریبی شدیدی بر اعتبار حدیث دارد، در حالی که تضعیفات اعتقادی یا جرح‌های متعارض، با ضمیمه برخی قرائن، قابل ترمیم و جبران‌اند.

۳-۲-۳. جهالت نسبت به راوی

جهالت راوی در نظام اعتبارسنجی حدیث، از مهم‌ترین عوامل تضعیف سند به شمار می‌آید؛^۵ زیرا در منطق وثوق‌محور، هرگاه هویت راوی، شرح حال او، یا وضعیت وثاقت و ضعفش به طور روشن احراز نشود، امکان وثوق به امانت و اتقان نقل مختل می‌گردد. آیه الله خامنه‌ای نیز در تقریرات خویش بر این مبنا تأکید کرده است. برای نمونه تصریح می‌کند:

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۴۳ و ۴۴.

۲. رک: همان، ص ۷۸.

۳. رک: همان، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۳۸ و ۷۱.

۵. برای آگاهی بیشتر رک: آسیب‌شناسی حدیث، ص ۱۰۴ - ۱۱۱.

سند روایت به جهت مجهول بودن شرح حال حسن بن مبارک نیز ضعیف است؛ زیرا نامی از وی در کتب معجم رجالی و فهرستی ذکر نشده است.^۱

همچنین می‌نویسد:

دو جهالت موجود در سند، اعتبار روایت را تحت الشعاع قرار داده‌اند.^۲

براین بنیان، جهالت در نگاه نخست، قرینه‌ای وثوق‌زدا و مانعی در برابر حجیت سند است؛ هرچند این حکم، مطلق و غیرقابل تخصیص نبوده و گاه با قرائن بیرونی، توثیق عام یا پذیرش عملی جبران می‌شود.

ناشناخته بودن راوی گونه‌های متعددی دارد. نخستین صورت، آن است که راوی در سند حضور دارد، اما فقدان هرگونه معرفی رجالی یا فهرستی درباره او، خود به تنهایی برای تضعیف سند کفایت می‌کند. صورت دیگر جهالت، ابهام در هویت ناقل است؛ یعنی جایی که شخص راوی به طور معین شناخته نمی‌شود. نمونه بارز آن تعبیر «بعض أصحابنا» است که درباره آن فرموده است:

مراد از تعبیر «بعض أصحابنا» نامشخص است.^۳

در چنین فرضی، نه تنها وثاقت فرد قابل بررسی نیست، بلکه اصل مصداق راوی نیز روشن نیست.

گونه دیگر جهالت، مربوط به راویانی است که نامشان در سند آمده، اما شرح حال توصیفی آنان در منابع رجالی و فهرستی نامعلوم است.^۴ همچنین اشتراک عنوان میان ثقه و غیرثقه، یکی از صور ابهام هویتی است؛ چنان‌که عنوان «أحمد بن حسین» میان دو راوی مشترک است و از آن‌جا که عنوان در سند قابل انطباق بر هر دو نفر است، غیرقابل اعتماد ارزیابی می‌شود.^۵

با این همه، جهالت در مبنای آیه الله خاмене‌ای، مانعی مطلق و غیرقابل علاج نیست. در سندی مشتمل بر احمد بن حسین، ابوسعید و ابوجمیل بصری، تصریح می‌شود که:

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. همان، ص ۵۲.

۴. همان.

۵. همان، ص ۴۷ - ۴۸.

رفع تضعیف سه راوی مذکور به واسطه نقل روایت محمد بن أحمد بن یحیی اشعری قمی از هر سه راوی در کتاب نوادر الحکمة محتمل است؛ زیرا ابن ولید توثیق عامی درباره اسانید کتاب نوادر الحکمة بیان کرده است.^۱

افزون براین، باید میان فقدان توثیق لفظی و جهالت حقیقی تفکیک کرد؛ زیرا نبود تصریح رجالی، همیشه مساوی با جهالت نیست. نمونه آن، محمد بن حسن طائی رازی است که: اگرچه دارای توثیق لسانی در کتب رجالی نیست، توثیق عملی اصحاب و فقها درباره روایات وی نظیر ابراهیم بن هاشم قمی، در وثاقت او کفایت می‌کند.^۲

۳-۳. شواهد مرتبط با متن حدیث

مسئله انفراد مضمونی یکی از متغیرهای متنی و دلالتی در فرآیند اعتبارسنجی احادیث است.^۳ در مبانی وثوق محور آیه الله خامنه‌ای، صرف عدم وجود نقل موازی در منابع موجود، دلیلی بر تفرد تاریخی راوی و در نتیجه سقوط روایت نیست. ایشان با تفکیک میان مقام ثبوت و اثبات، احراز انفراد را واجد پیچیدگی‌های روش‌شناختی دانسته و می‌پرسد ملاک و دلیل منفرد بودن چیست و چگونه می‌توان آن را احراز کرد؟ زیرا احتمال دارد دیگران نیز همان مضمون را نقل کرده باشند، یا روایات منفرد واقعی در فرایند تاریخی پالایش و گزینش اصول اولیه توسط اصحاب حذف شده باشد و آنچه به دست ما رسیده، مصداق انفراد حقیقی نباشد.^۴ همچنین تفرد را بر حسب ماهیت حکم تفکیک کرده و براین باور است که در احکام الزامی و مسائل شایع فقهی، روایات متفرد بسیار نادر است؛ اما در مسائل غیرالزامی، احتمال تفرد بالاست. از این رو، تا زمانی که انفراد مضمونی به صورت قطعی احراز نشود، نمی‌توان روایت را به بهانه تفرد رد کرد.^۵

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی و اصول اعتبارسنجی احادیث در اندیشه آیه الله سید

۱. تقریر فقه معظم له، ص ۴۹-۵۰.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. رک: حدیث ضعیف، ص ۶۸-۶۹.

۴. تقریر فقه معظم له، ص ۷۴.

۵. همان، ص ۷۴-۷۵.

مجتبی حسینی خامنه‌ای و برپایه بررسی تقریرات درس خارج طهارت و نجاست خمرانجام شد. یافته‌ها نشان داد که مبنای محوری ایشان در ارزیابی روایات، وثوق عقلایی به صدور است؛ بدین معنا که اعتبار حدیث نه براساس پاره‌ای از شرایط سندی، بلکه بربنیان جمع میان قرائن گوناگون و حصول اطمینان عقلایی به صدور روایت از معصوم (علیه السلام) احراز می‌شود. از این رو، سند و وثاقت راویان، هرچند از عناصر مهم در فرایند سنجش‌اند، اما به تنهایی معیار نهایی اعتبار حدیث به شمار نمی‌آیند و در کنار سایر شواهد، نقشی تکمیلی و قرینه‌ای دارند.

براساس این رویکرد، روش ارزیابی حدیث در اندیشه ایشان، روشی تلفیقی است که ظرفیت‌های منهج رجالی، فهرستی و مشایخی را در یک منظومه واحد به کار می‌گیرد. در این منظومه، افزون بر بررسی احوال راویان، اصالت و شهرت کتاب، نحوه تداول آن در میان اصحاب، ساختار تألیف و جایگاه روایت در متن کتاب نیز به مثابه شواهد وثوق‌زا مورد توجه قرار می‌گیرد. در مقابل، عواملی مانند تفرد در نقل، جهالت راوی، فساد مذهب، تضعیف رجالی و ناسازگاری مضمون با عنوان کتاب، از جمله شواهد وثوق‌زدا هستند که می‌توانند از میزان اعتماد به روایت بکاهند؛ هرچند بسیاری از آن‌ها در صورت وجود قرائن جبران‌کننده، قابل ترمیم‌اند. البته اتهام به کذب یا جعل، از شدیدترین عوامل تضعیف‌کننده است و اثر آن در سلب وثوق، بسیار فراتر از دیگر قرائن منفی است.

کتابنامه

- استناد در روش شناخت رجال اسناد، سید محمدجواد شبیری زنجانی، قم، انتشارات مرکز فقهی امام محمدباقر (علیه السلام)، ۱۴۰۲ ش.
- أصول الحديث، عبدالهادی فضلی، بیروت، لبنان، مؤسسة أم القرى للتحقیق والنشر، ۱۴۲۰ ق.
- اعتبارسنجی احادیث شیعه، سید علیرضا حسینی شیرازی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۷ ش.
- آسیب‌شناسی حدیث، محمدحسن ربانی بیرجندی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸ ش.
- البنیان فی علم الأصول، محمدحسین عبدی، قم، دارالاجتهاد، ۱۴۰۳ ش.
- التحلیل الفهرستی: دراسة فی منهج قدماء الإمامیة و مسلکهم فی العمل بالأخبار و دور

- الفهارس فيه، محمد باقر ملکيان، قم، مؤسسه معارف اهل بيت عليه السلام، ۱۴۰۴ق.
- تضعيف راويان؛ بازخوانی مبانی و معیارهای عالمان رجالی در پنج قرن نخست هجری، مهدی غلامعلی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹ش.
- تقریرات درس خارج فقه طهارت و نجاست خمر، سید مجتبی خامنه‌ای، قم، بی‌نا، بی‌تا.
- حدیث ضعیف، امین حسین پوری، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۹۷ش.
- حدیث و اعتبار کتاب‌محور، احسان سرخه‌ای، قم، انتشارات مؤسسه معارف اهل بیت عليه السلام، ۱۴۰۰ش.
- خبر واحد: سیر تاریخی بحث، مصاحبه با آیه الله مددی، دسترسی در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۵، B2n.ir/yx2843.
- دراسات فی مبانی علم الرجال: الحلقة الأولى (چاپ اول)، محمد باقر ملکيان، قم، مؤسسه کتاب طه، ۱۴۰۰ش.
- دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، حسین علی منتظری، قم، مرکز العالمی للدراسات الإسلامية، ۱۴۳۱ق.
- الرجال (جواد قیومی، محقق)، محمد بن الحسن طوسی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۷ق.
- رجال النجاشی (سید موسی شبیری، محقق)، احمد بن علی نجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.
- سید الطائفة البروجردی و معالم مدرسة الفقهية، حسن شراخی، قم، دار الاجتهاد، ۱۴۴۶ق.
- فرائد الاصول، مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸ق.
- الفهرست (سید عبد العزيز طباطبائی، محقق)، محمد بن الحسن طوسی، قم، مكتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
- الكافي (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصححان)، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳ش.
- کتاب من لا یحضره الفقيه (علی اکبر غفاری، مصحح)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
- کفاية الاصول، محمد کاظم خراسانی، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
- ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه، محمد مهدی احسانی‌فر، قم، انتشارات مؤسسه معارف اهل بیت عليه السلام، ۱۴۰۴ش.

- ولایت فقیه، سید روح‌الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۳۴ ق.
- «ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی: دیدگاه‌ها و مبانی»، سیدرضا شیرازی و محمود ملکی، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۳۰، ۱۴۰۱ ش، ص ۲۵ - ۵۶.
- «بررسی تطبیقی روش محدثین متقدم در رفع تعارض اخبار»، محسن نیل فروش زاده، سراج منیر، ش ۳۷، ۱۳۹۸ ش، ص ۱۰۵ - ۱۳۳.
- «رسالت دین، وظایف حوزه و دستاورد نظام آموزشی و مدارس علمیه»، عباس فیروزی، فصلنامه پیام حوزه، ش ۳۴ - ۳۵، ۱۳۸۱ ش.
- «سیرتاریخی حجیت خبر واحد در اصول شیعیه»، سید محمدصادق علم الهدی، پژوهش‌های اصولی، ش ۱۷، ۱۳۹۲ ش، ص ۹۹ - ۱۳۸.
- «منابع مکتوب، طرق تحمل و نقش چنگانه راویان در اعتبارسنجی احادیث امامیه»، احسان سرخه‌ای، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۷۰، ۱۴۰۰ ش، ص ۲۶۸ - ۲۹۳.
- «واکاوی ماهیت شهرت روایی در اندیشه عالمان شیعه و فرآیند شناسایی آن»، سید محمدحسین میرشاه‌ولایتی، اصول فقه حوزه، ش ۱۳، ۱۴۰۳ ش، ص ۱۷۷ - ۲۰۱.